

گیلان امروز سال بیست و چهارم / شماره ۵۵۱

### خبر

## «علوم عصر حجری» به بازار آمد

«علوم عصر حجری» نوشته فیلسای لائو و جری بابلی با ترجمه علی خاکبازان منتشر شد و به بازار کتاب آمد.

«انرژی و حرکت»، «ساختمان‌ها و سازه‌ها»، «ماشین‌های ساده» و «مواد» عنوان کتاب‌های مجموعه چهارجلدی «علوم عصر حجری» است.

در معرفی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از مجموعه «علوم عصر حجری» آمده است: این مجموعه در قالب مستند-داستانی نوشته شده؛ به این معنا که شخصیت اصلی هر کدام از کتاب‌های «علوم عصر حجری»، نابغه‌ای به اسم «لئو» است که همه چیز را می‌داند و مدام در حال یاد گرفتن و تجربه اندوختن است و هر چه را یاد می‌گیرد به گربه دست‌آموز خود «پالاس» آموزش می‌دهد.

لئو در این کتاب‌ها با به کار گرفتن علوم عصر حجری و طرح‌هایی مبتکرانه، نکته‌هایی را درباره مواد، انرژی و حرکت، ماشین‌های ساده و ساختمان‌ها و سازه‌ها به گربه‌اش می‌آموزد. تصویرگری مجموعه چهارجلدی «علوم عصر حجری» را مایک فیلیپس و ترجمه آن را علی خاکبازان بر عهده داشته‌اند.

بر همین اساس هر یک از کتاب‌های ۳۶ صفحه‌ای این مجموعه، واژه‌نامه‌ای دارد که بچه‌ها را با کلمات و واژه‌های تازه و سختی که در کتاب به آن اشاره شده، آشنا می‌کند.

مجموعه «علوم عصر حجری» که مناسب مخاطبان ۱۲+ (نونگاه) است، سه بار هم‌زمان به چاپ رسیده و شمارگان آن ۷۵۰۰ نسخه شده است.

هر یک از این کتاب‌ها با قیمت ۱۳هزار تومان در فروشگاه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سراسر کشور و فروشگاه‌های محصولات فرهنگی هنری در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

●●●●●

## آرنولد شوارتزنگر در مرکز یک داستان جاسوسی

**بخش فرهنگی** – آرنولد شوارتزنگر وارد جدیدترین ماموریتش شد و قرار است اولین سریال تلویزیونی‌اش را در مقام بازیگر و تهیه‌کننده اجرایی تجربه کند.

آرنولد شوارتزنگر بازیگر فیلم‌های اکشن قراردادی امضا کرده تا هم نقش اصلی و هم تهیه‌کننده اجرایی یک سریال جاسوسی شود.

این سریال که هر اپیزودش یک ساعت است، برای اسکای‌دنس ساخته می‌شود.

شوارتزنگر با امضای این قرارداد اولین تجربه تلویزیونی‌اش را به سوابقش می‌افزاید. از این سریال به عنوان یک ماجرای جاسوسی جهانی یاد شده که یک پدر و دختر در مرکز داستان جای دارند. در حالی که شوارتزنگر در نقش پدر ظاهر می‌شود هنوز بازیگر دختر انتخاب نشده است.

گفته شده این سریال در آینده نزدیک در دست تهیه خواهد بود.

تهیه این سریال نشان دهنده رابطه نزدیک بین شوارتزنگر با اسکای‌دنس است که تاکنون ۲ فیلم از فیلم‌های اخیر «ترمیناتور» شامل «ترمیناتور جنسیس» و «ترمیناتور: سرنوشت تیره» را با هم تهیه کرده‌اند.

سال آینده قرار است سریال تلویزیونی انیمیشن «کودکستان ابرقهرمانی استن لی» نیز که شوارتزنگر در آن در نقش اصلی صدپیشگی کرده به نمایش درآید. در این انیمیشن وی در نقش آرنولد آرمسترانگ صدپیشگی کرده ست.

سریال اسکای دنس را نیک ساتتورا می‌سازد که «نظم و قانون»، «فرار از زندان» و «عقرب» از ساخته‌هایش بوده‌اند.

●●●●●

## پیکر مسعود مهرابی در قطعه هنرمندان به خاک سپرده می‌شود

**بخش فرهنگی** – پیکر مسعود مهرابی در قطعه هنرمندان دفن خواهد شد.

سعید خال، مدیرعامل سازمان بهشت زهرا (س) گفت: بر اساس هماهنگی‌های بعمل آمده با معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیکر مرحوم مسعود مهرابی مدیرمسئول نشریه سینما و از قدیمی‌ترین چهره‌های سینمایی کشور در قطعه هنرمندان دفن خواهد شد.

وی افزود: با توجه به لزوم رعایت پروتکل‌ها و دستورالعمل‌های ستاد ملی کرونا سازمان بهشت زهرا(س) در این خصوص تمهیدات لازم را اندیشیده و همواره در جهت تکریم خانواده‌ها و مراجعین به ویژه خانواده هنری کشور اقدام می‌نماید.

●●●●●

## محبوب‌ترین فیلم هندی تاریخ!

**بخش فرهنگی** – فیلم ۲۰۴ دقیقه‌ای شعله، برترین فیلم سینمای بالیوود لقب گرفته است.

علاقه مردم هند به این فیلم تبدیل به ضرب‌المثل شده است. جالب است بدانید از سال ۱۹۷۵ که فیلم شعله اکران شد، یک سینما در هند فقط مخصوص اکران این فیلم است.

یعنی ۴۵ سال در تمام سانس‌های این سینما، فقط فیلم شعله پخش می‌شود!

نکته عجیب‌تر داستان این که تقریبا همیشه و در هر سانس سالن سینما پر می‌شود و هنوز پیر و جوان برای دیدن این فیلم سر و دست می‌شکنند!

کاربری در این‌باره نوشت: «بابا خود بازیگرهاش مردن ولی باز مردم هند دست از سر این فیلم برنمی‌دارن. نگاه کردنشون هم هنديه واقعا!»
کاربر دیگری هم پاسخ داد: «کاش بعضی فیلم سازه‌ای ما یاد بگیرن و بفهمن محبوبیت یعنی چی!»

## {فرهنگ و هنر }



**ترانه‌سرا، پژوهشگر و نوازنده گیلانی:**

# موسیقی حال حاضر گیلان قابل دفاع نیست

### با دستکاری آثار فولکلوریک خاطرات موسیقایی مردم را از بین می‌بریم

محمدرضا شرفی، ترانه‌سرا، پژوهشگر و نوازنده گیلانی

**بخش فرهنگی** – صفرعلی رمضانی می‌گوید: آیا به‌روز شدن آثار فولک؛ یعنی مثلا به موزه‌ای برویم که آثار ده هزار سال پیش در آن وجود دارد و آن آثار را برداریم و بزک و دوزک کنیم و بگوئیم این آثار به‌روز شده‌اند؟ اگر قرار باشد مخاطبان امروز موسیقی چهل یا پنجاه سال پیش را با تنظیم امروزی بشنوند، عملا پیشنه ذهنی و خاطرات موسیقایی مردم از بین برده‌ایم.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در میان استان‌های کشور، گیلان یکی از مناطقی است که موسیقی متنوعی دارد؛ با این‌حال چند سالی‌ست گروه‌های فعال گیلان کمتر به موسیقی محلی و آثار و قطعات قدیمی می‌پردازند.

صفرعلی رمضانی (ترانه‌سرا، پژوهشگر، نوازنده و آهنگساز) حدود سه دهه است که با تمرکز بر موسیقی فولکلوریک گیلان به فعالیت‌های پژوهشی و اجرایی مشغول است. می‌گوید: مشکل این است که مردم استان گیلان در چنین مواردی مطالبه‌گر نیستند. درست است که استان پرقدمت و با پیشینه گیلان در طول تاریخ موسیقی، شخصیت‌های بزرگی داشته و هرکدام به واسطه مشخصه‌هایی که داشته‌اند، مطرح شده‌اند، با این حال موسیقی درست و درمانی ندارد.

◆ **موسیقی نواحی کشور از چه مقطعی به بعد دچار تغییرات اساسی شد؟**
ما هر چه به لحاظ زمانی جلوتر رویم، متوجه خواهیم شد که تغییرات و سیر تحولات در صد سال و دویست سال اخیر، نسبت به دوره‌های قبلی بسیار بیشتر بوده است. تا پیش از یکی، دو قرن گذشته، آنچه در زمینه موسیقی رخ داده ثبت و ضبط نشده و چه بسا آثاری که ما آنها را نشنیده‌ایم، طی یکی دو قرن گذشته بوده که موسیقی توسط دستگاه‌ها و ابزارهایی که توسط بشر ساخته شده به صورت صوتی، تصویری و مکتوب ضبط و ثبت شده است. این تحولات در ایران، از دوران قاجار ایجاد شده و از آن زمان تاکنون نسبت به ادوار قبل شاهد تغییراتی عجیب و غریب هستیم. قدمت موسیقی ایران به ۱۲ هزار سال پیش بازمی‌گردد.

◆ **کشورمان به لحاظ جغرافیایی و اقلیمی دارای تنوع بسیار است. این ویژگی تا چه حد موسیقی گذشتگان ما را تحت تأثیر قرار داده؟**
قاعدتا شرایط اقلیمی و جغرافیایی بر وضعیت معیشتی مردم مناطق مختلف تأثیر داشته است. به طور مثال در مناطق کوهستانی کشور موسیقی شبانی و چوپانی و در مناطق کاسپین و خزر موسیقی ساحلی و موسیقی دریا مورد توجه بوده و عمومیت اینترنت، موسیقی‌های رایج و بازاری و یکبار مصرف بخشی از آن است. دارد که مردم این بخش نیز موسیقی خاص خودشان را دارند که به نوعی تلفیقی از موسیقی هر دو منطقه است.

اگر بر داشته‌هایمان تمرکز و غور و تفحص نکنیم و به ثبت آنها نپردازیم، یقینا مردمان بی‌ریشه‌ای خواهیم بود و بی‌ریشگی بدترین درد و بزرگترین مشکلی است که می‌تواند اجتماع و فرهنگ دیرپا را به راحتی از پا درآورد
◆ **طی دهه‌های قبل به دلیل عمومیت یافتن تکنولوژی و مورد توجه قرار گرفتن ابزار و ادوات دیجیتال و اتفاقات زندگی مدرن، موسیقی دچار تغییراتی شده. طی این روند سبک‌ها و موسیقی‌های عامه‌پسند و پر زرق و برق، توجه نوجوانان و جوانان علاقمند را به خود جلب کرده است. این اتفاق موسیقی نواحی ما را دچار چالش‌های عدیده کرد. در اینباره چه نظری دارید؟**

اشاره به جایی کردید و بر اساس هراتچه که گفتید موسیقی نواحی کل کشور به ویژه گیلان رو به زوال است. به هر حال برخی موارد به توسعه فرهنگی بازمی‌گردد که وجود اینترنت، موسیقی‌های رایج و بازاری و یکبار مصرف بخشی از آن است.

همانطور که غذاها، پوشاک، معماری و دیگر موارد دچار تغییراتی شده‌اند، طبیعی است که دیگر عرصه‌ها نیز با تغییراتی مواجه باشند. شخصی چون من که در عرصه موسیقی فعالیت می‌کنم، هدفم این نیست که مقابل این تغییر و تحولات بایستم و جلوی آنها را بگیرم، و البته نباید هم اینگونه باشد؛ زیرا انسان امروز با نسل‌های قبلی متفاوت است. من و پسرم که بیست سال اختلاف سن داریم، با هم متفاوتیم، چه رسد به اینکه این فاصله صد سال و دویست سال و دو هزار سال باشد. نیازهای انسانهای امروز متفاوت است و یقینا موسیقی خودش را می‌خواهد. با توجه به همه

زمینه مردم مطالبه‌گری داشت.

◆ **این درحالی‌ست که موسیقی منطقه گیلان بسیار غنی است.**

بله موسیقی گیلان غنی است، اما موزیسین‌های زیادی ندارد. اهالی موسیقی گیلان تنها به تهیه کاوری از آثار قبلی با فرم‌های ساده می‌پردازند. به نظر من که کارشناس موسیقی هستم و سال‌هاست در این عرصه فعالیت می‌کنم، بخش زیادی از آثاری که طی این سالها تولید شده‌اند، سطحی هستند. اگر به خراسان، بروید خواهید دید که اهالی آنجا موزیسین‌های فولکلور دارند، مانند زنده‌یادان غلامعلی پورعطایی و نورمحمد درپور. زمانی که به مازندران می‌روید با افرادی مواجه خواهید شد که اگر خودشان موسیقی فولکلوریک کار نکرده‌اند، اما به غنای آن پی برده و درباره‌اش فکر کرده‌اند. مانند استاد احمد محسن‌پور و دیگر فعالان. تاکنون چندین کتاب در زمینه موسیقی فولکلوریک مازندران نوشته شده و آموزشگاه‌های استان، موسیقی و سازهای خودشان را آموزش می‌دهند. حال اگر کل گیلان را بگردید، به جز تالش در هیچ آموزشگاهی، موسیقی و سازهای گیلان مانند نقاره، دایره و کمانچه پنج سیم آموزش داده نمی‌شود! حتی آوازا و فواصل آوازی گیلانی در آموزشگاه‌ها تدریس نمی‌شوند! همه اینها گویای این است که موزیسین‌های ما بد عمل کرده‌اند. در بخش دولتی نیز اداره ارشادی کارآمدی نداشته‌ایم. نهادهای مرتبط دیگر نیز عملکردهای مناسبی ندارند و بنا به همه این دلایل موسیقی ما به آثاری تکراری و خسته‌کننده و سطحی محدود شده است تا جایی که موسیقی گیلان دیگر قابل دفاع نیست.

◆ **مسئولان ارشاد و حوزه هنری از هنرمندان و فعالان موسیقی گیلانی استفاده‌می‌کنند؟**

متأسفانه خیر. حدود سه سال پیش آل‌بومی را در انجمن موسیقی گیلان توسط استاد علی احدی‌فر ضبط کردیم که منتشر نشد. در ادامه، آل‌بوم را تحویل گرفتیم و آن را به حوزه هنری ارائه دادیم و برای انتشار آن نیز از ارشاد اجازه گرفتیم. حال نزدیک به یک سال از این اتفاق گذشته و حوزه هنری اثر را منتشر نکرده است؛ چرا؟ به این دلیل که مسئولان مربوطه اصلا به انجام چنین کارهایی فکر نمی‌کنند و برایشان اهمیتی ندارد. از آنجا که اقتصاد تعریف شده‌ای نداریم، همه ادارات، حتی نهادها و مراکز فرهنگی به فکر پول درآوردن و کسب درآمدند؛ بنابراین به دنبال افرادی هستند که آثار شیش و هشت و ریتمیک تولید کنند و به محتوای آثار نیز اصلا کاری ندارند. بنا به دلایلی که گفتم چشم‌امیدی به ارشاد، حوزه هنری و حتی صداوسیما گیلان نداریم.

اگر برای اداره ارشاد، حوزه هنری و صداوسیما درآمدزایی کنیم، با ما همکاری می‌کنند. هنرمندان و علاقمندان ما نیز پس از پنج جلسه کلاس، بدون تحقیق و پژوهش و تمرین استاد می‌شوند!

◆ **عملکرد صداوسیمای گیلان در برابر موسیقی گیلان چگونه است؟**

صداوسیمای گیلان به جای بهره‌گیری از هنرمندان، تعدادی افراد را مقابل دوربین می‌برد و آنها را به عنوان اساتید موسیقی معرفی می‌کند. موسیقی گیلان تنها رقص و قطعاتی چون «رعنا» نیست. موسیقی گیلان بسیار عمیق است. ما موسیقی زنان داریم. موسیقی مردان داریم. لالایی و موسیقی کار جداگانه داریم و غیره و غیره. اینگونه بگویم که اگر برای اداره ارشاد، حوزه هنری و صداوسیما درآمدزایی کنیم، با ما همکاری می‌کنند. هنرمندان و علاقمندان ما نیز پس از پنج جلسه کلاس، بدون تحقیق و پژوهش و تمرین استاد می‌شوند؛از هیچیک از نهادهای رسمی توقعی ندارم، زیرا موسیقی برایشان اهمیتی ندارد. مشکل من بی‌سوادی برخی موزیسین‌ها و وجود آدم‌های نان به نرخ روز خوری است که آنها را علیه ما تحریک می‌کنند. آنها دانش لازم در حوزه موسیقی را ندارند. بارها از چنین دورستانی انتقاد کرده‌ام و گفته‌ام شما ندانغنه موسیقی نثارید و صرفا به دنبال پول درآوردن و کسب درآمدید.

◆ **درباره به‌روز کردن آثار فولکلوریک برای جذب مخاطبان بیشتر چه نظری دارید؟**

به نظرم چنین ترکیب واژه‌ای اشتباه است. آیا به‌روز شدن آثار فولک؛ یعنی مثلا به موزه‌ای برویم که آثار ده هزار سال پیش در آن وجود دارد و آن آثار را برداریم و بزک و دوزک کنیم و بگوئیم این آثار به‌روز شده‌اند؟!

من قصد جنگیدن با کسی را ندارم، بلکه هدفم این است که موسیقی مردم منطقه و دیارم را، و آن موسیقی‌هایی که توسط مردان و زنان در شالیزارها خوانده شده‌اند، را در شکل درست (از لحاظ ریتم، ملودی، آواشناسی و …) به دیگران ارایه دهم. لذا تولیداتی با هدف به‌روز کردن موسیقی فولک اشتباه محض است، بلکه باید موسیقی جدید تولید کنیم. استاد ندغایی که خدا او را حفظ کند، سال‌هاست در زمینه موسیقی فولک فعالیت می‌کند و آثار گیلکی عمیقی ارائه کرده است. ایشان موسیقی فولکلوریک درست نکرده، بلکه خودش از دل موسیقی درآمده است. اینکه مثلا قطعه «رعنا» را با شکلی جدید ارائه کنیم، اشتباه است. زیبایی آثار فولکلوریک این است که فولکلور شنیده شوند. زمانی که اثری را دستکاری می‌کنیم، مجموعه سازها و نوع سازبندی‌ها را دچار اختلال کرده‌ایم. اگر قرار باشد مخاطبان امروز موسیقی چهل یا پنجاه سال پیش را با تنظیم امروزی بشنوند، عملا پیشنه ذهنی هر کس می‌تواند هر آنچه را درست می‌داند، انجام دهد. مشکل اینجاست افرادی که در این زمینه‌ها فعالیت می‌کنند چنته‌شان خالی است. بی‌شک اگر هنرمند و پژوهشگری با دانش و اندیشه درست به تولید چنین آثاری بپردازد، نسبت به اشخاصی بدون داشته‌های موقت و سواد کافی، موفق‌تر خواهد بود.

◆ **در حال حاضر با وجود بیماری کرونا همچنان به فعالیت‌های هنری مشغولید؟**

اگر به موسیقی نپردازم با شخصی مرده تفاوتی نخواهم داشت. کارگاهی دارم و در منزل مشغول ساخت ساز هستم و در زمینه آیین‌ها و سازهای گیلان و موفلات مربوط به موسیقی منطقه پژوهش و تحقیق می‌کنم. از طرفی طی سال‌های اخیر سه نوازنده کمانچه تربیت کرده‌ام که کارشان خوب است و از آنها راضی هستم. سال گذشته کنسرتی پژوهشی برگزار کردم که امسال به دلیل بحران کرونا برگزار نشد. طی این مدت نیز به برگزاری برنامه‌های مجازی و کنسرت‌های آنلاین پرداخته‌ام. کلا، با وجود آسیب‌های که طی چند ماه گذشته به اهالی موسیقی وارد شده، با عدم فعالیت‌ها و تعطیلی موسیقی در شرایط فعلی موافقم؛ زیرا تحت‌العمل جامعه مطرح است. متأسفانه آمار فوتی‌ها همچنان بالاست و باید دستورالعمل‌های بهداشتی را رعایت کنیم و بیماری کرونا را جدی بگیریم.

**گفتگو:وحید خانه‌ساز**

**درباره سکانس جنجالی سریال «آقازاده»**

## آش و شکلاتی که شور بود!

جنجالی می‌شود. حال چه این واکنش‌ها منفی باشد چه مثبت. از این‌رو به نظر می‌رسد نویسنده و تولید کنندگان سریال با توجه به شناختی که از ظرفیت‌های اجتماعی و رسانه‌ای جامعه و مخاطب شناسی آن دارند در فرآیند درون متنی قصه همواره یکی دو سکانس اینچنینی طراحی می‌کنند تا به واسطه هیاهو و جنجال‌های فرامتنی که پیرامون آن شکل می‌گیرد توجه مخاطب و افکار عمومی به آن سریال و عواملش بیشتر شود.

به عبارتی دیگر به جای اینکه از ظرفیت دراماتیک برخی از مؤلفه‌ها و موقعیت‌های نمایشی در پیشبرد قصه و روایت درام استفاده شود از ظرفیت‌های بیرونی و اجتماعی به مثابه تمهیدات و فرصت‌های استراتژیک برای تبلیغ اثر استفاده می‌شود. تمهیداتی که یک صحنه وسکانس یا دیالوگی را به قابلیت فرامتنی بدل می‌کند تا از ابزارهای تبلیغی آن برای دیده شدن اثر استفاده شود. بویژه که اکنون با وجود فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، دامنه و عمق این تأثیرات و بازتاب این صحنه‌ها و واکنش به آنها بشدت مضاعف شده و می‌تواند به بازتولید مجازی اثر و بالطبع افزایش مخاطب آن یا دست‌کم مطرح شدن آن در رسانه‌های اجتماعی منجر شود. در واقع گنجاندن چنین صحنه‌ها و سکانس‌ها و دیالوگ‌ها بیش از آنکه از منطق دراماتیک و درون متنی اثر برآمده باشد از منطق بازاری و برون متنی آن و در راستای جلب بیشتر مخاطب صورت می‌گیرد.

آنها به ابزارهای تبلیغی و پروپاگاندایی برای برجسته شدن یک سریال بدل شده و شبیه ترندهای بازاریابی در عرصه‌های فرهنگی و هنری است. اینکه سازندگان یک سریال بویژه در نمایش خانگی که عرصه خصوصی مناسبات و مبادلات هنری است برای جذب و جلب بیشتر مخاطب بیندیشند و برنامه‌ریزی

<sup>[1]</sup> اما با هر ابزاری نمی‌توان به این هدف رسید بویژه در بازار فرهنگ و هنر که مخاطب باهوش حس می‌کند در حال فریب خوردن است یا فلان صحنه صرفا با نگاه تبلیغی و تجاری در یک اثر گنجانده شده. در واقع استفاده غلط از تمهیدات درون متنی تبلیغ سریال و جذب مخاطب به ضد خود بدل شده و با واکنش منفی و پس زدن او همراه می‌شود. چنانکه هم این سکانس صیغه در سریال آقازاده و هم سکانس پریدن از پنجره در سریال پدر با واکنش‌های دافعه برانگیز مخاطب همراه شد و اعتبار و جایگاه هنری آن سریال‌ها را کاهش داد

<sup>[2]</sup> فارغ از اینها سریال‌هایی از جنس «آقازاده» با فرم‌های جذاب، محتوای کهنه و کلیشه‌ای و نخ نمایی را بزک و گمان می‌کنند مخاطب پشت این ظاهرآرایی، تحت تأثیر ایدئولوژی پنهان قصه قرار نمی‌گیرد. البته سریال آقازاده در همین سطح فرمی و ظاهری ماجرا هم پر از اشکال است. از جمله استفاده از الگوی کلیشه‌ای و دوقطبی‌سازی شخصیت‌پردازی که در یک روایت شعارزده، آقازاده‌ها را به دو قطب خوب و بد تقسیم می‌کند که از یکی دیو بسازد و از دیگری دلبر! وقتی قصه‌ای از بنیاد شعاری و مبالغه آمیز است و منطبق با واقعیت اجتماعی و البته باور مخاطب نیست، گنجاندن صحنه‌هایی برای مطرح شدن اثر بیشتر توی ذوق زده و خودش را لو می‌دهد. تمهیداتی که هم به تخریب خود قصه و هم به تخریب شأن و اعتبار سریال منجر می‌شود و هم به تقلیل شعور مخاطب برای برخی حرف‌ها و موقعیت‌های ممنوعه و خط قرمزی که از فرط بی‌هنری لوث و لوس می‌شود و یک اثر جدی را به کم‌دی ناخواسته بدل می‌کند